

## زنبور طلائی

ای زنبور طلائی	نیش ی زنی بلائی
(پاشو پاشو چاره)	گل بازنده (دوباره) ۲ بار
زنبور داری تر صحرای	سری زنی به صحرای
(پاشو پاشو چاره)	عسل بسیار دوباره) ۲ بار

## بابا بزرگ چه پیره

بابا بزرگ چه پیره	الهی حیوتت منیره
عینک راه با عصا	قصه ی نه با ادا
(خوشحال مثل بنده)	با ریش سفیدش می خنده) ۲ بار
(دست می کنه تو سیفی	به من میده سحرینی) ۲ بار
خوشحال مثل بنده	با ریش سفیدش می خنده

برای مامان بزرگ : بجای بابا : مامان را بگویند و  
بجای ریش : گیس .

توب قلقلی

سرخ و سفید و آبی	یک توب رام قلقلیه
مخى روغن تاکجایره	می زخم زمین هوامی ره
مشقاصو خوب نوشتم	من این توب ندانستم
یک توب قلقلی راد	یا بام کهن عیدی راد

هفته

شنبه ، یکشنبه ، دوشنبه ، سه شنبه ، چهارشنبه ، پنجشنبه ،	جمعه تعطیل
هفته هفت روزه آخرش آخر روزه	آخر خردش نیاستی
دلت حی سوز	

اعضای بدن

رماغ و دهن یک کرد	چشم چشم رو ابرو
دوتا گوش کردن ما	دست دست آتاپا

## طبل بزرگ

وقتی که زخم اینجور صدای ده	طبل بزرگم خیلی قشنگ
وقتی که زخم اینجور صدای ده	بیانری دارم خیلی قشنگ
وقتی که زخم اینجور صدای ده	ویلوخی دارم خیلی قشنگ
وقتی که زخم اینجور صدای ده	شعبوری دارم خیلی قشنگ
وقتی که زخم اینجور صدای ده	گیتاری دارم خیلی قشنگ
وقتی که راهی ده اینجور صدای ده	اسب سفیدم خیلی قشنگ
وقتی که زخم اینجور صدای ده	چکشی دارم خیلی قشنگ

## آئل مثل

گاو حسنی چه چیره	آئل مثل توتوله
گادشو برین هدستون	نه ستر راه نه بیستون
اسمشو بزار انگری	یک زن هدی بیستون
آچین واجین نیک پاتو در چین	دور کلاهش قرزی

ورزش یا اعضای بدن

(سر شوره زانو یا زانو یا) ۲ بار

چشمو گرشو دهن و دماغ

سر شوره زانو یا زانو یا

گل

یک گل ده گل صد گل

اینجا آنجا حرجا گل

رامن رامن ضرورین ی رسد بر حرجا گل

(گل گل گل گل گل قشنگه گل گل گل گل خوش رنگه) ۲ بار

گوزنجیر یان

گوزنجیر یان به گوزنجیر من یان تی به

یست کوه انداختی به بابا آمده چی چی آدره

خورد کسختی با صدای چی (صدای پیران)

عروسک

عروسک قشنگ من قرمز پوشیده

روکش خواب نخی آبیس خوابیده

سامان رفته بازار اونو بخرم خرید

قشنگ از عروسک همجلس ندیده

عروسک من چشمتو واکن

وقتی شب شد آنوقت لالان

حالا باشو با هم بخرم بازی کنیم

۲ بار (توی بازی و طباب بازی خاک بازی کنیم)

جوجه طلائی

تو کفش سرخ رحمانی

جوجه جوجه طلائی

چگونه بیرون جستی

تخم خود را شناسی

دیوارش از سنگ بود

گفتا جایم تنگ بود

نه لیس ز من خور است

نه پیچره نه در است

مثل رستم چهلوان

به خود دارم یک تکان

زور به بیرون حتم

تخم خود را شناسم